

فاعلیت خدا در نظام هستی از نگاه علامه طباطبایی و انعکاس آن در کتیبه های بناهای اسلامی

غلامعلی احمدی^۱

محمد رضا شمشیری*^۲

جهانبخش رحمانی^۳

.....

چکیده

یکی از اصلی ترین مسائل خداشناسی، مسئله فاعلیت خداست. فاعلیت خدا- همانند فاعلیت هر فاعل دیگری- ربطی کامل به علم او به فعلش دارد که آن نیز یکی دیگر از اساسی ترین مسائل الهیات است. موضوع فاعلیت الهی از مباحث مهم تاریخ فلسفه بوده است. در این مجال، اصل فاعلیت و آفرینش الهی که در ادیان آسمانی از آموزه های اولیه دینی است، مورد بحث است و خاستگاه فعل و فاعلیت خدا به ذات و صفات ذاتی خداوند برمی گردد. علامه طباطبایی یکی از بزرگانی که به مبحث فاعلیت خدا در نظام هستی پرداخته است و به منزله یک فیلسوف صدراپی و مفسر حکمت متعالیه و هم به مثابه یک فیلسوف صاحب نظر، ضمن توضیح عقیده صدرا به نقد آن و بیان رأی خویش مبادرت می کند. از دیدگاه او، از میان اقسام شش گانه فاعل، خدا را فاعل بالعنایه می داند. این فاعل، فاعلی است که به فعل خود علم دارد و آن را از روی اراده و اختیار انجام میدهد و همان علم او به فعل منشأ صدور فعل است. در این پژوهش که با روش توصیفی _ تحلیلی به اندیشه و نگرش علامه طباطبایی از فاعلیت خدا در نظام هستی و انعکاس آن در کتیبه های معماری اسلامی به عنوان آثار هنری اسلامی می پردازد، به شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه ای صورت گرفته است. نتایج پژوهش نشان دهنده این دیدگاه است که پس از مکاشفه و درک دیدگاه و نظریه فاعلیت خدا در نظام هستی از نگاه علامه طباطبایی، به عنوان تئوری آفرینش و خلقت می توان به آفرینش های هنری همچون کتیبه نگاری ها در معماری اسلامی و انعکاس اندیشه های عرفانی در این آثار هنری رسید.

اهداف تحقیق:

۱. بررسی نگاه علامه طباطبایی در مورد فاعلیت خدا در نظام هستی.
۲. بررسی چگونگی انعکاس این نگاه در کتیبه های بناهای اسلامی.

سوالات تحقیق:

۱. نگاه علامه طباطبایی به موضوع فاعلیت خدا در نظام هستی چگونه است؟
۲. اندیشه های عرفانی چگونه در کتیبه های بناهای اسلامی انعکاس یافته اند؟

واژگان کلیدی: فاعلیت خدا، نظام هستی، علامه طباطبایی، کتیبه

^۱ دانشجوی دکتری فلسفه، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان. gholamaliahmedi@yahoo.com

^۲ * (نویسنده مسئول) دکترای تخصصی، استادیار گروه فلسفه دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان. mo_shamshiri@yahoo.com

^۳ دکترای تخصصی، استادیار، استادیار فلسفه دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان واحد خوراسگان، اصفهان jahanrah@yahoo.com

مقدمه

از اساسی ترین مباحث خدانشناسی و الهیات، مسئله فاعلیت خداست که در این مقاله نیم نگاهی بر اصل فاعلیت و آفرینش الهی می افکنیم. چرا که؛ موضوع و مسئله فاعلیت الهی از آغاز فلسفه اسلام مورد توجه و عنایت فیلسوفان اسلامی بوده است.

در این مجال، ذکر پیشینه فاعلیت الهی ضروری است. در ابتدا، فاعلیت الهی و آراء فیلسوفان مرور می شود و پس از آن کوشیده ایم تا فاعلیت الهی را در تفسیر و فلسفه ی علامه طباطبایی بررسی کرده و در آخر به انعکاس و تجلی آن در آثار هنر اسلامی و به ویژه کتیبه نگاری های بناهای اسلامی می پردازیم.

در اندیشه علامه طباطبایی و براساس نظریه فاعلیت الهی، انسان آفریده از سوی خداوند است. در حوزه هنر و خلاقیت هنری، نفس انسانی به مانند خداوند آفریننده است. در واقع هنرمند در این خلاقیت، جانشین خداوند است. طباطبایی می گوید؛ "فاعلیت نفس انسانی می تواند مثال فاعلیت خداوند متعال باشد." (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۸۹_۱۹۲). نفس انسانی مشروط بر آن که؛ از تعلق به عالم مادی بکاهد، با هنر به شکوفایی می رسد.

خوشنویسی در مقام شاخصترین هنر اسلامی ریشه در معنویت دارد. این هنر که تجلی گاه امری قدسی است، بیش از هر جایی بر بستر کتیبه هایی در معماری نمود دارد. از ویژگی های اصلی در معماری اسلامی، وجود کتیبه هاست. کتیبه از خصایص بارز یک بنای مذهبی است.

از این رو؛ کتیبه نگاری به واسطه ی هم راستا و هم سو شدن با خوشنویسی و به عنوان بستری برای نمایش و ظهور مفاهیم الهی، دارای قداست و تقدس بوده است.

در این مقاله؛ خلق اثر در هنر اسلامی از سوی هنرمند در نظریه فاعلیت خدا تشریح می گردد. به بیانی دیگر، با بررسی نحوه ی فاعلیت خدا در نظام هستی و مطابقت آن با خلق آثار هنری، به رابطه ای که بین آن اثر و نحوه ی خلق آن توسط هنرمند وجود داد، دست یافته ایم.

در نتیجه می توان جلوه و نمود این خلقت را در آثار او (هنرمند) از جمله کتیبه های موجود در معماری اسلامی مشاهده نمود.

چیستی فاعلیت و فاعلیت خدا در نظام هستی

از مسائل اساسی در خدانشناسی، مسئله فاعلیت خداست. در این مجال، اصل فاعلیت و آفرینش الهی که در ادیان آسمانی از آموزه های اولیه دینی است، مورد بحث است.

خاستگاه فعل و فاعلیت خدا به ذات و صفات ذاتی خداوند برمی گردد. از آنجا که؛ قبل از خلقت نخستین، امری (و یا فعلی) قابل تصور نیست تا در مورد نقش آن بر فاعلیت خدا بحثی صورت گیرد، از این رو، هر تحلیلی در توجیه و تبیین فاعلیت خدا به ذات و صفاتش برمی گردد. می توان اذعان داشت؛ "اگر ذات خدا علت فاعلی تام برای خلقت و

فعل خویش لحاظ شود، لازمه آن، تحقق معلول (فعل) با تحقق علت تامه (ذات الوهی) است. ... " (قدردان قراملکی، ۱۳۹۶: ۳۴)

از دیرباز فعل انسان و ارتباط آن با خدای متعال از مسائل و مباحث اساسی متفکران الهی بوده است. فعل و اراده آدمی منتسب به فعل و اراده و اذن حق تعالی است. "... نسبت فاعلیت انسان و فاعلیت الهی فاعلیت طولی است." (شیرزاد، ۱۳۸۹: ۷۱)

به بیانی باید گفت؛ هر چند "اراده" فعل از انسان است اما "قدرت" انجام آن فعل و مسبب آن خداوند است. "انسان فعل را "اراده" می کند اما خداوند "قدرت" انجام فعل را به انسان بخشیده است. بدین ترتیب فعل با اراده انسان و قدرتی که خداوند به انسان داده است انجام می شود و اگر خداوند قدرت را باز پس گیرد انسان نمیتواند چیزی را اراده کند. ... " (شیرزاد، ۱۳۸۹: ۶۳)

اینکه خداوند چگونه عالم را آفریده و چگونه در آن تصرف می کند، ما را به یکی از بحث هایی که فیلسوفان به آن پرداخته اند، سوق می دهد. این بحث با عنوان "فاعلیت الهی" نظر فیلسوفان را در باب نحوه ی اعمال فاعلیت خداوند بیان می دارد.

"... خدای متعال، فاعل مطلق و سایر مخلوقات، از جمله انسان در فعلهای اختیاریش جملگی فاعل مسخر خداوندند و تعلق اراده انسان به هر فعلی تحت تسخیر الهی و از طریق مجموعه نظاممند آفرینش شکل میگیرد." (شیرزاد، ۱۳۸۹: ۷۴) به بیانی دیگر؛ از نظر حکمای مسلمان، خدا منشا وجودی جهان است. اگر خدا نبود جهان و نظام هستی هم نبود. ...

در این مورد علامه طباطبایی نیز تاکید دارد که "قدرت خدا مبدا و علت ایجاد و عین ذات الوهی است که لازمه اش دوام و عدم انقطاع فیض و رحمت است." (طباطبایی، بی تا: ۳۲۷)

پیش از بررسی دیدگاه طباطبایی، ذکر پیشینه فاعلیت الهی ضروری است. اکنون به فاعلیت الهی و آراء فیلسوفان در این باب نیم نگاهی می افکنیم. از مسائل اساسی در خداشناسی، مسئله فاعلیت خداست.

متفکران مسلمان به تبیین رابطه ی خدا و عالم یا فاعلیت الهی توجه ویژه داشتند. دیدگاه سه حکیم بزرگ: کندی، فارابی و ابن سینا قابل تامل است چرا که نشان از تکامل نظریه فاعلیت الهی بین حکما می دهد. به اختصار به آنان می پردازیم: یعقوب ابن اسحاق کندی (۱۸۵ - ۲۶۱ ق) از خلق و ابداع جهان توسط خدا سخن راند.

"به نظر او همه ی عالم معلول خداست و خداوند اشیا را از عدم به وجود می آورد؛ وی خلق را درباره ی معلول های زمانی و ابداع را درباره ی آفرینش ذات و هویت همه ی اشیا به کار برد. ... کندی با تعریف دقیق انواع فاعل، فاعلیت خدا را فاعلیت ابداعی و بقیه ی فاعل ها را مجازی نامید." (الکندی، ۱۹۵۰: ۱۸۲ - ۱۹۸).

دیدگاه فارابی (۲۵۹ - ۳۳۸ ق) را اینگونه خلاصه می کنیم: "فارابی در احصاء العلوم به این موضوع پرداخته و نحوه ی ایجاد موجودات از طرف خدا از ارکان علم الهی است." (فارابی، ۱۳۶۴: ۱۰۴) و نیز در کتاب الجمع، از ابداع به عنوان نحوه ی فعل خدا سخن گفته است. (فارابی، ۱۴۰۴: ۱۰۳)

ابن سینا فاعلیت الهی را اینگونه شرح می دهد، خداوند ذات خود را مورد تعقل قرار می دهد: او به فاعلیت الهی نگاهی عارفانه داشته است. (ابن سینا، ۱۴۰۴ ق: ۴۰۳).

برای فهم بهتر از فاعلیت خدا که از مسائل اساسی خداشناسی است، نظر دیگر حکمای مسلمان در مورد فاعلیت خدا از نظر می گذرانیم؛

صدرالمتالهین فاعل را به شش بخش تقسیم می کند. بالطبع، بالقسر، بالجبر، بالقصد، بالعنایه و بالرضا. اینکه خدا از میان اقسام مختلف فاعل، چگونه فاعلی است. از آنجا که فاعلیت یک فاعل با نحوه ی علم فاعل به فعل ربط دارد، این مسئله با علم خدا نیز مرتبط است.

ارسطو معتقد است: "خداوند چون فاعل یا علت فاعلی در همه اشیا حاضر است و منبع هر گونه فعلیت در همه مخلوقات. خدا به کامل ترین شکل در همه اشیا هست، بی آن که حدی او را محدود سازد یا از اشیا بیرون باشد." (بدوی، بی تا: ۴۱۲)

فاعلیت الهی نزد ارسطو به معنای محرک ازلی خواندن خداوند است. (ارسطو، ۱۳۸۵: ۳۹۵)؛ فلوطین فاعلیت الهی را همچون خورشیدی می داند که نورافشانی اش آفرینش و فاعلیت اوست. (افلوطین، ۱۹۹۷: ۴۳۰) و فلوطین در جای دیگر فاعلیت الهی را به فیض و سرریز شدن تعبیر کرده است. (همان: ۴۳۶).

در دیدگاه سهروردی، فاعلیت خدا اشراق اوست که موجودی را ایجاد و به کمال می رساند. نوع این اشراق، علم و رابطه ی او و معلول هایش رابطه ی حضور است. (دیباجی، ۱۳۸۶). این دیدگاه که فعل الهی، همان علم است بعدها به "فاعلیت بالرضا" تعبیر و تفسیر شد. (همان، ص ۲۰). از نظر عرفا خداوند فاعل بالتجلی است. و فعل او ظهور اوست. ملاصدرا قائل به این نظر است. او "فاعل کل را فاعل بالتجلی می داند" (حسن زاده آملی، ۱۳۶۰: ۱۹۹).

در نظر ملاصدرا خداوند فاعل بالعنایه است. "فاعل کل ... به تمام اشیا قبل از وجودشان عالم است به علمی که عین ذات اوست و علمش به اشیا که عین ذات اوست، منشا وجود آن هاست، پس او فاعل بالعنایه است." (ملاصدرا، ۱۴۱۰، ج ۲: ۲۲۵)

علامه طباطبایی، همچون بسیاری از شارحان دیگر حکمت متعالیه، فاعل بالعنایه ی مورد نظر ملاصدرا را فاعل بالتجلی می خواند. (ملاصدرا، ۱۴۱۰، ج ۲: ۲۲۲)

مرحوم مهدی الهی قمشه ای با الهام از دیدگاه عارفان، "فاعلیت خداوند را در آینه ی فاعل بالعشق" معرفی می نماید. (حسن زاده آملی، ۱۳۸۰، ج ۵: ۱۷۰)

... در حکمت مشاء هر فاعلی حقیقتاً علت فاعلی افعال طبیعی خودش است و این قابل انکار نیست. ... در حکمت مشاء با حفظ فاعلیت علل فاعلی برای افعالشان، ... فاعل همه ی این فواعل را حق تعالی می دانند. (باقریان، ۱۳۸۵: ۱۴۰)

همانطور که گفته شد؛ این مسئله که برای عالم صانع یگانه است، از قدیم ترین مسائلی است که در بین متفکران رایج بوده است، و فطرتشان آنان را به این حقیقت رهنمایی نموده است، حتی آئین بت پرستی هم که بنایش بر شرک است زمانی که حقیقت معنایش مورد بررسی قرار می گیرد درمیابیم که؛ این آئین هم در آغاز پیدایش بر اساس توحید صانع و این که بت ها شفیع در نزد خدا بنا شده است. این آیه شاهدهی برای این گفته است؛ «مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا

إِلَى اللَّهِ زُلْفَى. ما عبادت نمی‌کنیم بت‌ها را مگر برای اینکه ما را به خدایمان قدمی نزدیک کنند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۱۵۳ و ۱۵۴).

فاعلیت الهی در فلسفه ی علامه طباطبایی

علامه طباطبایی در تفسیر عبارت «وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» در آیه ۲۵۵ سوره بقره برای نظام هستی معبود و صانع یگانه را اثبات می‌کند. معبودی که تمام حیات و ممات از اوست. معنایی که از آیه استفاده می‌شود این است که؛ "خدای تعالی که هیچ معبودی به جز او نیست، تمام حیات و زندگی از آن اوست، و او قیومیتی مطلق دارد، قیومیتی که هیچ عاملی آن را دستخوش ضعف و سستی نمی‌سازد، و به همین جهت وقتی می‌خواهد این معنا را تعلیل کند با دو نام مقدس "علی" و "عظیم"، تعلیل می‌کند، و می‌فهماند که خدا به خاطر علو مقامی که دارا است مخلوقات به او نمی‌رسند تا به وسیله‌ای در وجود او سستی و در کار او ضعفی پدید آورند، و به خاطر عظمتش از کثرت مخلوقات به تنگ نیامده، و عظمت آسمانها و زمین طاقتش را طاق نمی‌سازد، و جمله: "وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ"، خالی از دلالت بر حصر نیست، و این حصر، یا حصر حقیقی است که حق هم همین است، برای اینکه علو و عظمت، خود از کمالات است، و حقیقت هر کمالی از آن او است، و یا حصری ادعایی است، که چون مقام، مقام تعلیل بود احتیاج پیدا شد که بطور ادعا، علو و عظمت را منحصر در خدا کند، تا آسمانها و زمین در قبال علو و عظمت خدای تعالی از علو و عظمت ساقط شود." (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۱۳ و ۵۱۴)

به اعتقاد طباطبایی اثبات واجب الوجود، در واقع اثبات مخلوق بودن عالم است: "همین که این نظریه را پذیرفتیم که جهان آفریدگاری دارد بلافاصله در پی آن، این نظریه را نیز پذیرفته ایم که جهان کار و آفریده ی اوست." (طباطبایی، ۱۳۵۰: ج ۵، ۱۴۵)

خدا منزله است از آنچه که توصیفش می‌کنند، مگر بندگان مخلص. این کلامی است که خداوند در قرآن به بندگان خود گوشزد می‌نماید و در رابطه با شناخت صفات خدای تعالی باید به آن توجه نمود. علامه طباطبایی در مباحث هستی شناسی خود بیان می‌کند که: این بنده ناچیز ... اعتراف می‌کند به اینکه آنچه را که به عقل خود برای او اثبات می‌کند غیر از آن چیزی است که در خدای تعالی است و خدای تعالی بزرگ‌تر از آن است که حدی او را در خود محدود سازد و چنین مفاهیمی نمی‌تواند آیینه وجود بیکران پروردگار باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۶۸).

طباطبایی می‌گوید: "ان الواجب تعالی مبدا لکن ممکن موجود" (طباطبایی، بی تا: ۳۰۰) از آنجا که خداوند وجود اول است و کمال مطلق دارد، بنابراین، علت ایجاد هر شی است.

در خداشناسی توحیدی، خداوند با وصف کامل مطلق، یعنی موجودی دارای تمامی کمالات و فضایل ممکن توصیف شده است. به تعبیر دیگر، خدا موجودی است که هیچ موجودی برتر و کامل‌تر از او قابل تصور نیست؛ این همان تعریفی است که آنسلم قدیس ۱ (۱۰۳۳ - ۱۱۰۹م) از خدا ارائه نموده و آن را مقدمه «برهان وجودی» خود قرار داده است.

(آنسلم، ۱۳۸۶: ۴۵) و بر همین مبنا «الهیات مبتنی بر موجود کامل» یا همان «الاهیات آنسلمی» شکل گرفت که برخی آن را رشته استواری دانسته‌اند که مباحث مربوط به صفات خداوند را به یکدیگر پیوند می‌دهد و وحدت می‌بخشد. (پترسون و دیگران، ۱۳۷۶، صص ۱۰۱ - ۱۰۲)

خدا منشا وجودی نظام هستی است. بحث خدانشناسی از مسائل اساسی متفکران الهی است. علامه طباطبایی با دلایل روشن اثبات می‌کند که "بحث از خدای جهان فطری انسان است، جهان آفرینش آفریدگاری دارد و خدای هستی، همه کمالات را دارد." (طباطبایی، ۱۳۵۰، ج ۵، ص ۱۷۶) خدا علت ایجاد نظام هستی و آفریننده تمامی کمالات است. افزون بر این، در جریان نظام هستی، آثار و علائم "قدرت الهی" به اندازه‌ای روشن است که با هیچ پرده و پوششی نمی‌توان آن را پوشانید. (طباطبایی، ۱۳۶۲، ص ۴۷). بدین ترتیب خداوند "قدرت" انجام فعل را به انسان بخشیده است و "قدرت" انجام آن فعل و مسبب آن، خداوند است.

علامه طباطبایی اینگونه بیان می‌دارد که؛ "... چون علم و اراده در فاعل هست، پس قدرت هم هست؛ زیرا قدرت جز این نیست که فاعل هرگاه بخواهد، فعل خود را انجام می‌دهد. از آنجا که علم و اراده و قدرت دارد، پس حیات هم دارد." (طباطبایی، ۱۳۵۰، ج ۵، ص ۱۳۷) هر چند "اراده" فعل از انسان است. اما خداوند "قدرت" انجام فعل را به انسان بخشیده است. بدین ترتیب فعل با اراده انسان و قدرتی که خداوند به انسان داده است انجام می‌شود.

... به دیگر سخن؛ اراده در خدا این است که علل و مقتضیات، ایجاد چیزی فراهم گردد، در این صورت گاهی کامل بودن مقدمات فعل، به فعل، و گاهی به خدا نسبت داده می‌شود، هرگاه به فعل نسبت داده شد، این حالت را، اراده فعل و خود فعل را مراد خدا، می‌گویند و هرگاه این حالت به خدا نسبت داده شد، آن را اراده خدا و خدا را مرید می‌نامند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ص ۱۳۷).

به اعتقاد طباطبایی اثبات واجب الوجود، در واقع اثبات مخلوق بودن عالم است: "همین که این نظریه را پذیرفتیم که جهان آفریدگاری دارد بلافاصله در پی آن، این نظریه را نیز پذیرفته ایم که جهان کار و آفریده ی اوست." (طباطبایی، ۱۳۵۰: ج ۵، ۱۴۵)

جهان و نظام هستی، آفریده ی خداوند است. علامه طباطبایی در بدایه الحکمه علت فاعلی را چنین تعریف می‌کند: "هی التی تفیض وجود المعلول و تفعله" (طباطبایی، بی تا - الف، ص ۸۹) علامه جایی برای فاعلیت غیر از خداوند باقی نمی‌گذارد و مقام علت فاعلی را منحصر به خداوند می‌داند. علامه علت فاعلی را هستی بخش معرفی می‌کند، در نهاییه الحکمه، به اثبات علت فاعلی پرداخته است. (طباطبایی، ۱۴۲۴، ق: ۲۲۶)

فاعلیت اقسام مختلف دارد و باید بررسی شود که فاعلیت خداوند از نظر حکیمان به چه نحو است. مرحوم علامه طباطبایی در نهاییه الحکمه علل فاعلی را هشت قسم می‌داند: ۱. فاعل بالطبع؛ ۲. فاعل بالقسر؛ ۳. فاعل بالجبر؛ ۴. فاعل بالرضا؛ ۵. فاعل بالقصد؛ ۶. فاعل بالعنايه؛ ۷. فاعل بالتجلی؛ ۸. فاعل بالتسخیر. (طباطبایی، بی تا: ۱۷۲)

موثر، موجد، هستی بخش و علت فاعلی و فاعل همه یک چیزند. علامه در فلسفه خود از قول حکمای مشاء و متعالیه برای اثبات انحصار در فاعلیت الهی، دو دلیل می‌آورد. براساس برهان اول، خداوند جزء علت تامه است و نه خود علت تامه؛ زیرا اگرچه فاعل های دیگری وجود دارند، نهایتاً علت العلل و فاعل مبدا وجود دارد که موجد همه ی فاعل های

دیگر و فاعل آن هاست؛ بنابراین تنها یک فاعل وجود دارد و او خداوند است. و براساس برهان دوم، خداوند همان علت تامه است؛ آنچه وجود دارد، یا علت است یا علتی است که معلول هم هست و یا تنها معلول است؛ دو تای اخیر چون معلول اند وجودشان ربطی و متقوم به علت صرف و بسیط است. در این صورت معلول ها، تعدادشان هر چه باشد وابسته به علت اند و از خود وجودی ندارند و همه، تجلیات و آیات اویند. (طباطبایی، ۱۴۲۴ق: ۲۲۷)

به نظر فلاسفه، از آنجا که رابطه ی علت و معلول یک رابطه ی عینی و واقعی است، اگر کسی این قاعده را نپذیرد، در حقیقت مقدمات آن را خوب درک نکرده است؛ وگرنه با درک مقدمات، حکم به نتیجه که همین قاعده باشد، بدیهی خواهد بود (طباطبایی، ۱۴۲۴ق: ۲۱۵) علامه به تبع حکمت متعالیه، خداوند را فاعل بالتجلی می داند که در آن خداوند به فعل علم تفصیلی پیشینی دارد و همین علم او برای تحقق فعل کافی است و علاوه بر این، علم او زاید بر ذاتش نبوده، بلکه عین ذات اوست (طباطبایی، ۱۴۲۴: ۲۲۲)

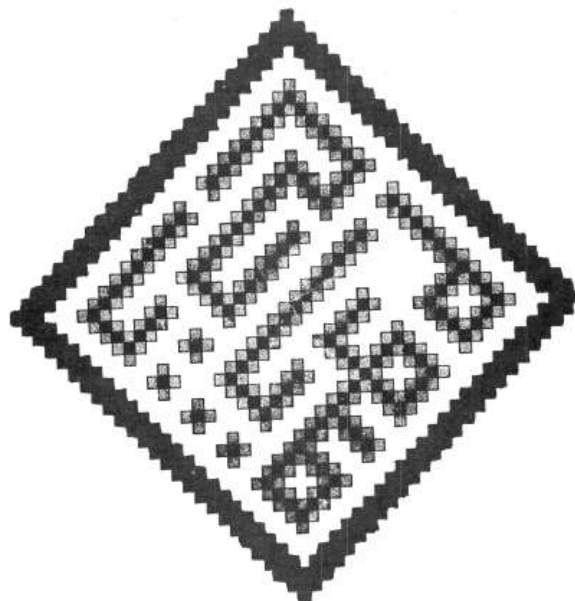
علامه در شرح و تفسیر آیه ۸۴ سوره ی اسرا بیان می دارد که؛ حکما معتقدند که بین فعل و فاعلش (معلول و علت فاعلی) رابطه ی ذاتی برقرار است و براساس آن؛ وجود فعل، مرتبه نازله ای از همان وجود فاعل است.

ذات و فعل هر شی از آن علت است. به بیانی دیگر، فاعلیت هر فاعل از آن خود او نیست و به فاعل حقیقی و الهی باز می گردد. به تعبیری حق تعالی فاعل فعل هر فاعلی است. طباطبایی یادآور می شود که؛ "خداوند ایجادگر هر چیزی است که نصیبی از وجود و تحقق دارد." (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۷، ص ۲۹۳) علامه می گوید: "... اشیا، فعل الهی و مخلوق او هستند و با وجود و صفات وجود خود از وجود و صفات او حکایت می کنند." (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۳: ۱۹۴).

انعکاس فاعلیت خدا در کتیبه های بناهای اسلامی

چنانچه نحوه ی فاعلیت خدا در نظام هستی را در خلق آثار هنری توسط هنرمند، مطابقت دهیم، می توان به رابطه ای که بین آن اثر و نحوه ی خلق آن توسط هنرمند وجود داد، دست یافت. از آنجا که؛ هنر اسلامی بیشترین اثر پذیری را از عقاید فیلسوفان و عارفان داشته است، در این تحقیق خلق اثر در هنر اسلامی توسط هنرمند در نظریه فاعلیت خدا تشریح می گردد.

در فاعلیت حق تعالی در اندیشه عرفانی مراحل و مراتبی هست و از این منظر در خلق اثر توسط هنرمند عارف که برگرفته از اندیشه عرفانی و اسلامی است، نیز این نگرش قابل توجه است. بدین ترتیب در اندیشه علامه طباطبایی و براساس نظریه فاعلیت الهی، انسان آفریده از سوی خداوند است. و از آنجا که؛ خلق اثر در هنر اسلامی از سوی هنرمند حاصل می گردد. می توان جلوه و نمود این خلقت را در آثار او از جمله کتیبه های موجود در معماری اسلامی مشاهده نمود. از آن نمونه می توان به کتیبه هایی با معنای صفات باری تعالی در بناهای اسلامی اشاره داشت. (تصویر ۱)



تصویر ۱- کتیبه معقلی زیر طاق ایوان بقعه زین الدین ابوبکر "یا حی یا قیوم" منبع تصویر: (صالحی کاخکی، ۱۳۶۷: ۷۸)

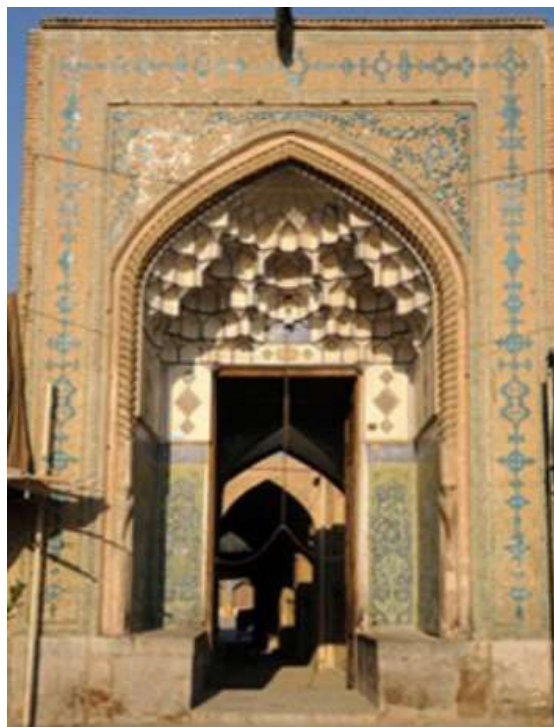
آفرینش، رسیدن از عدم به وجود است. هنر نیز در ساحت الهی "بیان" است و بیان براساس اراده الهی، دلیل آفرینش است. بر طبق نگاه علامه طباطبایی، نظام هستی و آفرینش الهی، مبتنی بر اراده الهی و فاعلیت ذات الهی تشکیل می گردد که مطلق است. انسان خود نشانه ای مبتنی بر اراده الهی است و یا به عبارتی "بیان" است. از سویی هرچند که انسان محدود و نسبی است اما خالق نامحدود و مطلق. میتوان، آثار انسان ها را نیز بیان اراده و فاعلیت خداوند دانست. در نمونه هایی از آثار معماری شاهد مثالی این موضوع را در زیر گنبد شیخ لطف الله که گویای مضمون وحدت در عین کثرت است، نظاره گر هستیم. (تصویر ۲)



تصویر ۲- زیر گنبد مسجد شیخ لطف الله اصفهان، حلقه ی مرکزی و نمایش وحدت در کثرت. منبع تصویر: (برند، ۱۳۸۳: ۱۵۴)

"خلق و آفرینش، رکن عالم هنر است. هنرمند با "خلق" اثر هنری می کوشد نوعی ارزش زیبایی شناختی ایجاد کند. ... " (شهادی، ۱۳۹۳: ۳۰)

در عرصه ی خلق هنر، مانند کتیبه نگاری های معماری اسلامی، دیده می شود که این آثار نشان از آن است که خداوند بر هنرمند سایه افکنده است. به عنوان مثال؛ توجه به همگرایی، وحدت، تقارن و مواردی از این دست در هنر خوشنویسی و کتیبه نگاری نشان دهنده ی تجلی خداوند است. از آن نمونه است یکی از ایوان های ورودی مسجد جامع اصفهان با کتیبه های قرآنی و نشانگر وحدت و تقارن در اثر و تجلی وحدت خداوند. (تصویر ۳)



تصویر ۳- "ورودی مجلسی" مسجد جامع اصفهان، وحدت و تقارن در کتیبه های ایوان های بنایای اسلامی. منبع تصویر: (قاسمی سیچانی، قنبری شیخ شبانی، قنبری شیخ شبانی، ۱۳۹۶: ۶۱)

در حوزه هنر و خلاقیت هنری، نفس انسانی به مثابه خداوند خلاق و آفریننده است. در واقع هنرمند در این خلاقیت، جانشین خداوند است. طباطبایی می گوید؛ "فاعلیت نفس انسانی می تواند مثال فاعلیت خداوند متعال باشد." (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۸۹-۱۹۲). نفس انسانی مشروط بر آن که؛ از تعلق به عالم مادی بکاهد، با هنر به شکوفایی می رسد، در اندیشه عرفانی، زیبایی اثر هنری، انعکاس زیبایی آفریننده ی آن است.

"خلق و آفرینش، رکن عالم هنر است. هنرمند با "خلق" اثر هنری می کوشد نوعی ارزش زیبایی شناختی ایجاد کند. در این "ابداع" نقش انسانی مثال خداوند است که بدون هیچ مددی می آفریند و مبدعات "عالم امر" را خلق می کند و سپس از این مسیر "عالم خلق" را هم می آفریند." (شهادی، ۱۳۹۳: ۳۸) انعکاس زیبایی آفریننده را می توان در نمونه هایی مانند مسجد شیخ الله اصفهان مشاهده نمود. (تصویر ۴)



تصویر ۴- فضای داخلی از مسجد شیخ لطف الله اصفهان، راهروی ورودی. منبع تصویر (بمانیان؛ عالی نصب، ۱۳۹۱: ۷۷)

یکی از مسائل اساسی هنر اسلامی، ارتباط با سرچشمه ی الهی است. هنر به مانند الگویی برای فهم آفرینش و خالقیت و فاعلیت خدا به کار رفته است. در فلسفه اسلامی هنر پاسخی ست در خور برای تبیین فعل خدا. در واقع خلاقیت انسان و فعل او، همانند خداوند، در عرصه ی هنر است که جلوه گری می نماید.

آفرینش های هنری در جهان اسلام با آراء فیلسوفان و متفکران قابل درک و فهم می گردد. با تعمیم دادن آراء متفکران اسلامی به ویژه نگاه علامه طباطبایی، به ساحت هنر اسلامی و تاثیر آن بر خوشنویسی و نمادهای آن، می توان به تقدس هنر اسلامی پی برد.

در معماری اسلامی کتیبه نگاری هایی با مضمون دعا و حدیث بسیار مشاهده می شود. احادیث در کتیبه نگاری معماری اسلامی، انعکاس کلام امامان و پیامبران، دارای بیان عرفانی و مظهر و تجلی حقیقت معنوی در نظام هستی اند. معمار و خوشنویس مسلمان به انسان خاطر نشان می دارد که همه چیز اثر حقیقت الهی است. (تصویر ۵)



تصویر ۵- "آنا مدینه العلم و علی بابها"، مسجد جامع اصفهان. منبع تصویر: (شایسته فر، ۱۳۸۴ : ۱۹۵)

"خوشنویسی" در مقام شاخصترین هنر اسلامی ریشه در معنویت دارد. خوشنویسی اسلامی بیان مادی و زمینی مفاهیم آسمانی است. به بیانی، خوشنویسی اسلامی تجلی حقیقت معنوی کلام الهی است. خوشنویسی اسلامی راز و رمز معنوی و روحانی در خود می پروراند. این هنر تجلی گاه امری قدسی است و بیش از هر جایی بر بستر کتیبه هایی در معماری نمود دارد. از این رو؛ کتیبه نگاری به واسطه ی هم راستا و هم سو شدن با خوشنویسی و به عنوان بستری برای نمایش و ظهور مفاهیم معنوی و الهی در قالب خط در معماری اسلامی، دارای قداست و تقدس بوده است. در معماری اسلامی کتیبه های با مضمون ادعیه انعکاس مفاهیم الهی هستند. از آن نمونه است کتیبه با مضمون دعای جوشن کبیر در محراب مسجد حکیم اصفهان. (تصویر ۶)



تصویر ۶- کتیبه پیرامون محراب مسجد حکیم اصفهان با مضمون ادعیه؛ دعای جوشن کبیر. منبع تصویر (مکی نژاد،

۱۳۸۸: ۳۲)

از ویژگی های اصلی در معماری اسلامی، وجود کتیبه هاست. کتیبه از خصایص بارز یک بنای مذهبی است. کتیبه نگاری و معماری مذهبی چنان عجیب گشته اند که بررسی ویژگی های معماری اسلامی بدون درک کتیبه های خطی که سراسر بنا را فراگرفته است، ممکن نیست.

"خوشنویسی اسلامی به واسطه تلاقی با کتیبه نگاری، اگرچه با زبان صوری متفاوت، لکن، وحدتی هماهنگ را در بیان مفاهیم الهی و قدسی باطنی خویش آشکار نموده و گویی در کالبدی یکپارچه و پوشیده از رمزوارگی عینی، به بیانی مشترک از مفهوم توحید و تجلی امری قدسی می انجامند." (احسنت؛ گودرزی سروش، ۱۳۹۶: ۱۱۳)

وقتی سخن از هنر اسلامی به میان است، یادآور روحانیت و معنویت در هستی و تجلی ذات و آفرینش الهی مورد بحث است. و حاصل آن می تواند خوشنویسی اسلامی، و نمایش معنا و مفاهیم مقدس در حکایت از ذات الهی باشد.

خوشنویسی اسلامی دارای مفاهیمی است که به امور قدسی و الهی اشاره دارد. و به نوعی تداعی کننده و نماد وحدانیت ذات الهی است. " هنر خوشنویسی از دیرباز با عشق جسمانی و روحانی، عشق به عالم لاهوت و ملکوت ارتباط یافته است و هم وسیله شناخت خود است و هم ابزار معرفت حق؛ زیرا عالم غیب در آن جلوه گر میشود و بنابراین به بیننده مجال میدهد چیزی را که مستقیماً نمیتواند ببیند، غیرمستقیم ببیند و به همین جهت معنای رمزی پیدا می کند." (ستاری، ۱۳۸۷: ۱۶)

چنانچه، قدرت خداوند مبدا و علت ایجاد نظام هستی ست و حروف خوشنویسی شده گویای نشانی از خداوند و راز و رمزی از تجلیات الهی هستند. "خوشنویسی در اصل خویش، هنری سنتی و روحانی بوده است و الهام گرفته نشانه تجلی حق و نور او بر عالم پائین یا عالم زمینی از کلام الهی است." (احسنت؛ گودرزی سروش، ۱۳۹۶: ۱۲۱)

جذابیت بصری خطوط خوشنویسی شده بر کتیبه های مساجد، در برابر دیدگاه بیننده و ذهن او نقش مفهومی فرازمینی و معانی نمادین برگرفته از ذات الهی را بیان می دارد. بنابراین "حروفی که در عین کثرت وارگی خویش، ساحتی واحد را تشکیل میدهند، امکان سیر معانی و مفاهیم معنوی را از صورت به معنا فراهم کرده و در ساختار صوری و باطنی خود، تداعی کننده رمز خلقت و حقیقت الهی می باشند." (احسنت؛ گودرزی سروش، ۱۳۹۶: ۱۲۱) استفاده از واژه هایی در کتیبه های بناهای اسلامی که نمایانگر وحدت در عین کثرت هستند. (تصویر ۷ و ۸)



تصویر ۷- نوشتاری که در عین کثرت وارگی ساحتی واحد دارد. تزئینات روی ستون های ایوان مسجد جامع اصفهان. منبع تصویر: (دادخوا، ۱۳۹۵: ۲۰)

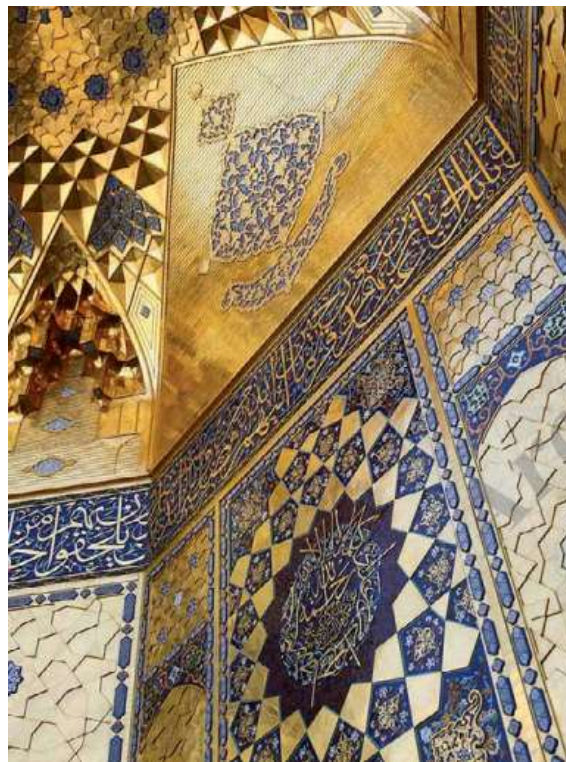


تصویر ۸- حیاط مسجد جامع اصفهان. (شایسته فر، ۱۳۸۴: ۱۷۵)

خوشنویسی از این منظر و با بیان معانی و مفاهیمی که گفته شد، با استفاده از تکنیک های کتیبه نگاری ها در معماری، در واقع جنبه هایی از نظام هستی و خلقت خداوند را در قالبی معنوی و روحانی نمایان می نماید. این تعاریف ما را با هنری پویا مواجه می نماید که تاکید آن بر هست شدن و تجلی ذات متعالی خداوند است.

علامه طباطبایی متأثر از اندیشه عرفانی، در بیان نحوه ی فاعلیت الهی در نظام هستی، بر این عقیده است که افعال انسان بر وجه اعلی برگرفته از افعال حق تعالی است. هنرمند مسلمان نیز که به فاعلیت الهی در نظام هستی واقف است، خود را متأثر و برگرفته از ذات الهی می داند. هرچند در فرهنگ اسلامی هنرمند نمی تواند تجسمی عینی و مادی از ذات متعالی الهی به دست دهد، چرا که از هرگونه نمایش عینی منع شده است، اما میکوشد در وجوه مختلف همچون معماری اسلامی و از جمله کتیبه نگاری و در جلوه خوشنویسی حضور حق را نمایان سازد. "تصدیق حضور حق از جانب مسلمانان، مبتنی بر احساس نامتناهی بودن اوست و هر گونه عینیت و شیئیت الوهیت را انکار می کند، مگر عینیت و شیئیتی را که فضای بیکران برای وی نمودار میسازد." (بورکهارت، ۱۳۶۹: ۱۳۶)

در خوشنویسی و کتیبه نگاری در معماری اسلامی، هنرمند از خود و اثر خود فاصله گرفته و به اصل ذات الهی پیوسته و در تلاش است اثر او برگرفته از مفاهیم الهی، و تجلی حق باشد. وفور کتیبه های قرآنی بر دیوارهای بناهای مذهبی یادآور این واقعیت است که؛ "کل حیات اسلامی با نقل قولهایی از قرآن در هم تنیده است و تلاوت قرآن و همچنین ادعیه، اوراد و اذکار مأخوذ از قرآن، پشتوانه معنوی این زندگیست." (رحمتی، ۱۳۹۰: ۲۲۳) همانند تجلی ذات الهی را میتوانیم در کتیبه های قرآنی در دیوارهای ایوان مرقد مطهر امام رضا (ع) نظاره گر باشیم. (تصویر ۹)



تصویر ۹- نمایی از ایوان صحن جمهوری (ایوان شرقی) مرقد مطهر امام رضا. منبع تصویر (عباسی، مردان نیک،

(۱۳۹۱: ۷۷)

کتیبه‌ها علاوه بر اینکه یادآور کلمات و معنای آنان هستند، بیننده را متوجه قدرت معنوی و روحانی آفریننده، که در فعل هنرمند تابیده و اینک در این خطوط به شکل تجلی عظمت الهی منعکس گردیده است، می‌نماید و به او خاطر نشان می‌دهد که؛ همه چیز از حقیقت الهی و برگرفته از اوست.

"بر این اساس خوشنویسی که حامل صفت قدسی است، هنگام پیوند با کتیبه نگاری، این خصیصه نهفته در بطن و صورت خود را بر ساختار و بستر کتیبه نیز انتقال داده و آن را واجد چنین صفتی قدسی می‌نماید. گویی همچنان که در خوشنویسی اسلامی صورت حروف، بیانی در راستا و مکمل معنای آن دارند، در کتیبه نگاری نیز همان معانی در صورتی متفاوت جلوه گر می‌شوند." (احسنت؛ گودرزی سروش، ۱۳۹۶: ۱۲۷)

در تفکر اسلامی هنر دارای سرمنشاء الهی است و آثار هنری از نظر حکمای اسلامی منشاء الهی دارند. آنچه هنرمند به فعلیت می‌رساند منشاء فرازمینی و الهی دارد.

برطبق دیدگاه علامه طباطبایی، فاعلیت خدا در نظام هستی را می‌توان سرمنشا خلق آثار هنری دانست. بر طبق آنچه گفته شد هنرمند قادر به آفرینش در صور جزئی است. در واقع پیدائی این آثار هنری در هستی توسط هنرمند را فلسفه اسلامی و فاعلیت خدا توجیه می‌نماید. بر مبنای اندیشه عرفانی و براساس این نظریه خلق آثاری همچون خوشنویسی و کتیبه نگاری‌ها به واسطه ی خود هنرمند اتفاق می‌افتد.

به بیانی دیگر؛ مقصود از آفرینش و خلقت نظام هستی، تجلی ذات باری تعالی و نحوه ی فاعلیت اوست. و کتیبه نگاری در معماری اسلامی حاصل بازتاب و انعکاس این تجلی در عرفان است. این کتیبه نگاری‌ها بواسطه ی بازآفرینی و تجلیات عرفانی نفس هنرمند حاصل می‌گردد. با تحقیق و تفحص در چنین هنری می‌توان به بنیان‌های نظری خلقت و فاعلیت خدا دست یافت.

نتیجه گیری

از اساسی ترین مباحث خدانشناسی و الهیات، مسئله فاعلیت خداست. موضوع و مسئله فاعلیت الهی از آغاز فلسفه اسلام مورد توجه و عنایت فیلسوفان اسلامی بوده است. در این مقاله، اصل فاعلیت و آفرینش الهی که در ادیان آسمانی از آموزه های اولیه دینی است، مورد بحث قرار گرفته است.

خاستگاه فعل و فاعلیت خدا به ذات و صفات ذاتی خداوند برمی‌گردد. در این پژوهش ابتدا به اندیشه و نگرش علامه طباطبایی از فاعلیت خدا در نظام هستی، و در آخر به انعکاس و تجلی آن در آثار هنر اسلامی و به ویژه کتیبه نگاری های بناهای اسلامی پرداخته شده است.

در اندیشه علامه طباطبایی و براساس نظریه فاعلیت الهی، خداوند وجود اول است و کمال مطلق دارد. خدا منشا وجودی نظام هستی است. بنابراین، علت ایجاد هر شی است. فعل و اراده آدمی منتسب به فعل و اراده حق تعالی است. علامه طباطبایی جایی برای فاعلیت غیر از خداوند باقی نمی گذارد و مقام علت فاعلی را منحصر به خداوند می داند. به تعبیری حق تعالی فاعل فعل هر فاعلی است. طباطبایی یادآور می شود که؛ "خداوند ایجادگر هر چیزی است که نصیبی از وجود و تحقق دارد." (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۷، ص ۲۹۳)

چنانچه نحوه ی فاعلیت خدا در نظام هستی را در خلق آثار هنری توسط هنرمند، مطابقت دهیم، می توان به رابطه ای که بین آن اثر و نحوه ی خلق آن توسط هنرمند وجود داد، دست یافت. در این تحقیق خلق اثر در هنر اسلامی توسط هنرمند در نظریه فاعلیت خدا تشریح گردیده است. به بیانی دیگر، با بررسی نحوه ی فاعلیت خدا در نظام هستی و مطابقت آن با خلق آثار هنری، به رابطه ای که بین آن اثر و نحوه ی خلق آن توسط هنرمند وجود داد، دست یافته ایم.

در حوزه هنر و خلاقیت هنری، نفس انسانی به مانند خداوند آفریننده است. علامه طباطبایی می گوید؛ "فاعلیت نفس انسانی می تواند مثال فاعلیت خداوند متعال باشد." (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۸۹ _ ۱۹۲). به بیانی؛ بر این عقیده است که؛ افعال انسان بر وجه اعلی برگرفته از افعال حق تعالی است. در واقع هنرمند در این خلاقیت، جانشین خداوند است. نفس انسانی مشروط بر آن که؛ از تعلق به عالم مادی بکاهد، با هنر به شکوفایی می رسد.

در تفکر اسلامی هنر دارای سرمنشاء الهی است و آثار هنری به مانند الگویی برای فهم آفرینش و خالقیت و فاعلیت خدا به کار رفته اند. در فلسفه اسلامی هنر پاسخی ست در خور برای تبیین فعل خدا. در واقع خلاقیت انسان و فعل او، همانند خداوند، در عرصه ی هنر است که جلوه گری می نماید. هنرمند مسلمان نیز که به فاعلیت الهی در نظام هستی واقف است، خود را متأثر و برگرفته از ذات الهی می داند. هرچند در فرهنگ اسلامی هنرمند نمی تواند تجسمی عینی و مادی از ذات متعالی الهی به دست دهد، چرا که از هرگونه نمایش عینی منع شده است، اما میکوشد در وجوه مختلف همچون معماری اسلامی و از جمله کتیبه نگاری و در جلوه خوشنویسی حضور حق را نمایان سازد.

به بیانی دیگر؛ مقصود از آفرینش و خلقت نظام هستی، تجلی ذات باری تعالی و نحوه ی فاعلیت اوست. و کتیبه نگاری در معماری اسلامی حاصل بازتاب و انعکاس این تجلی در عرفان است. این کتیبه نگاری ها بواسطه ی بازآفرینی و تجلیات عرفانی نفس هنرمند حاصل می گردد.

خوشنویسی که در مقام شاخصترین هنر اسلامی ریشه در معنویت دارد، بیش از هر جایی بر بستر کتیبه هایی در معماری اسلامی نمود دارد. کتیبه نگاری به واسطه ی هم راستا و هم سو شدن با خوشنویسی و به عنوان بستری برای نمایش و ظهور مفاهیم الهی، دارای قداست و تقدس بوده است.

در عرصه ی خلق هنر، مانند کتیبه نگاری های معماری اسلامی، دیده می شود که این آثار نشان از آن است که خداوند بر هنرمند سایه افکنده است. قدرت معنوی و روحانی آفریننده، که در فعل هنرمند تابیده و اینک در این خطوط به شکل تجلی عظمت الهی منعکس گردیده است. بدین ترتیب در اندیشه علامه طباطبایی و براساس نظریه فاعلیت الهی،

انسان آفریده از سوی خداوند است. و از آنجا که؛ خلق اثر در هنر اسلامی از سوی هنرمند حاصل می‌گردد. در نتیجه می‌توان جلوه و نمود این خلقت را در آثار او (هنرمند) از جمله کتیبه‌های موجود در معماری اسلامی مشاهده نمود. بر این مبنا در می‌یابیم که؛ پس از مکاشفه و درک دیدگاه و نظریه‌ی فاعلیت خدا در نظام هستی از نگاه علامه طباطبایی، به عنوان تئوری آفرینش و خلقت می‌توان به آفرینش‌های هنری همچون کتیبه‌نگاری‌ها در معماری اسلامی و انعکاس اندیشه‌های عرفانی در این آثار هنری رسید.

منابع

- ابن سینا، ۱۴۰۴، الاهیات شفاء، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- احسنت؛ ستاره، گودرزی سروش؛ محمدمهدی، ۱۳۹۶، تجلی مفهوم تقدس در تلاقی خوشنویسی و کتیبه نگاری اسلامی، فصلنامه علمی - پژوهشی نگره، شماره ۴۴، زمستان ۹۶، صص ۱۱۳ - ۱۲۹
- ارسطو، ۱۳۸۵، متافیزیک، ترجمه ی شرف الدین خراسانی، تهران: حکمت.
- افلوطین، ۱۹۹۷، تاسوعات افلوطین، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
- آنسلم، قدیس، پرسولوژیون (خطابیه‌ای در باب اثبات وجود خدا)، ترجمه افسانه نجاتی، تهران: قصیده‌سرا، ۱۳۸۶.
- باقریان، رسول، ۱۳۸۵، فاعلیت قریب از دیدگاه فلسفه و عرفان، معارف عقلی، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۵، صص ۱۳۵ - ۱۵۳
- بدوی، عبدالرحمن، بی تا، ارسطوطالیس فی النفس، بیروت: دارالعلم.
- بورکهارت، تیتوس، ۱۳۶۹، هنر مقدس، ترجمه جلال ستاری، تهران: نشر سروش
- پتاحتست
- پترسون و دیگران، مایکل، عقل و اعتقاد دینی، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، تهران: طرح نو، ۱۳۷۶.
- حسن زاده آملی، حسن، ۱۳۶۰، خیرالاثر دررد جبر و قدر، قم: قبله.
- حسن زاده آملی، حسن، ۱۳۸۰، ج ۵، هزار و یک کلمه، قم: بوستان
- دیباچی، سیدمحمدعلی، ۱۳۸۶، فاعلیت الهی از دیدگاه سهروردی، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، ش ۲۴، پاییز ۱۳۸۶، صص ۱ - ۲۴
- رحمتی، انشاءالله، ۱۳۹۰، هنر و معنویت (مجموعه مقالاتی در زمینه حکمت و هنر)، تهران: ترجمه و نشر آصار هنری متن.
- ستاری، جلال، ۱۳۸۷، رمز اندیشی و هنر قدسی، تهران: نشر مرکز.
- شهدادی، احمد، ۱۳۹۳، وحدت ظلی نفس و دلالت های آن در حوزه ی هنر، فصلنامه الهیات هنر، شماره دوم، صص ۲۱ - ۴۱
- شیرزاد، امیر، ۱۳۸۹، نظریه امر بین الامرین در آیین تفریرها و تصویر سازی های کلامی و حکمی، خردنامه، شماره ۵۹، بهار ۸۹، صص ۶۰ - ۷۴.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۵۰، اصول فلسفه و روش رئالیسم، جلد ۵، مقدمه و پاورقی مرتضی مطهری، قم: انتشارات صدرا

- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۶۲، شیعه در اسلام، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۹۰، نه‌ایه الحکمه، با تصحیح و تعلیق غلامرضا فیاضی، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۳، ج ۷، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه ی مدرسین
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۲۴، نه‌ایه الحکمه، قم: انتشارات جامعه ی مدرسین
- طباطبایی، سید محمدحسین، بی تا _ الف، بدایه الحکمه، قم: انتشارات جامعه ی مدرسین
- طباطبایی، سید محمدحسین، بی تا، نه‌ایه الحکمه، قم: انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۴، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۶، جلد ۲، جلد ۸، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی،
- فارابی، ابونصر، ۱۳۶۴، احصاء العلوم، ترجمه حسین خدیوچم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- فارابی، ابونصر، ۱۴۰۴ ق، الجمع بین رای‌ی الحکیمین، تهران: الزهراء، چاپ دوم.
- قدردان قراملکی، محمدحسن، ۱۳۹۶، تاملی در ازلیت فعل الهی، قبسات، سال بیست و دوم، زمستان ۱۳۹۶، صص ۳۱ - ۴۹
- الکندی، یعقوب ابن اسحاق، ۱۹۵۰، رسال الفللسفیه، تحقیق محمد عبدالهادی ابوژیده، قاهره: بی نا
- ملاصدرا، صدرالدین محمدبن ابراهیم، ۱۴۱۰ ق، الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، ج ۲، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

منابع تصاویر

- برند، باربارا، ۱۳۸۳، هنر اسلامی، ترجمه مهناز شایسته فر، تهران: موسسه مطالعات هنر اسلامی
- بمانیان؛ عالی نصب، محمدرضا؛ محمد علی، بررسی نقش نور در تبیین توالی فضای مساجد؛ نمونه موردی: مسجد شیخ لطف الله، پژوهش هنر دانشگاه هنر اصفهان، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، سال دوم، شماره ۴، صص ۷۱ - ۸۲
- دادخواه، پژمان، تاملی بر تزئینات ایوان درویش مسجد جامع اصفهان، مطالعات هنر و فرهنگ، دوره ۱، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۵، صص ۱۶ - ۲۶.
- شایسته فر، مهناز، ۱۳۸۴، عناصر هنر شیعی در نگارگری و کتیبه نگاری تیموریان و صفویان، تهران: انتشارات موسسه مطالعات هنر اسلامی.

- صالحی کاخکی، ۱۳۶۷، کتیبه های بقعه زین الدین ابوبکر تایبادی، اثر، شماره ۲۵، فرودین ۶۷، صص ۶۲ - ۹۸.
- عباسی؛ مردان نیک، فهیمه؛ سمانه، ۱۳۹۱، ایوان های طلای حرم مطهر امام رضا (علیه السلام)، آستان هنر، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، شماره ۲-۳، صص ۶۶ - ۷۷.
- قاسمی سیچانی؛ مریم، قنبری شیخ شبانی؛ فاطمه، قنبری شیخ شبانی؛ محبوبه، ۱۳۹۶، تحلیل مضمون کتیبه های قرآنی ورودی ها و محراب های مسجد جامع اصفهان، فصلنامه پژوهش های معماری اسلامی، شماره ۱۶، سال پنجم، پاییز ۱۳۹۶، صص ۴۹ - ۶۸.
- مکی نژاد، مهدی، ۱۳۸۸، سیر تحول کتیبه های تلت در معماری ایران (صفوی تا قاجار)، فصلنامه تحلیلی - پژوهشی نگره، شماره ۱۳، زمستان ۸۸، صص ۲۹ - ۳۹.